

## بررسی سیاست خارجی ترکیه در دوره‌ی اسلام‌گرایان در قبال سوریه و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۰۵	هادی تاجیک <sup>۱</sup>
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۱۷	ابوالفضل سعادت <sup>۲</sup>
صفحات مقاله: ۱۴۳ - ۱۰۹	

### چکیده:

روابط دوجانبه‌ی ترکیه و سوریه تا سال‌های آغازین قرن ۲۱م. تحت تأثیر سه اختلاف عمده بر سر کردها، تقسیم آب دجله و فرات و اختلافات ارضی بر سر منطقه‌ی «هاتای» فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است، اما با بروز تحولات سیاسی و شکل‌گیری بحران سوریه در سال ۲۰۱۱م. این کشور به میدانی برای رقابت‌های بین‌المللی و بازیگری قدرت‌های منطقه بدل گردید. دولت ترکیه با بازیگری در تحولات این کشور در جهت کسب وجهه‌ای اجتماعی و جلب توجه نظام غرب و اتحادیه‌ی اروپا گام برداشت و اقدامات مختلفی را در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی و نظامی علیه سوریه انجام داد.

بنابراین، مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از گردآوری کتابخانه‌ای و اسنادی در صدد یافتن پاسخ به این سؤال است که سیاست خارجی ترکیه در دوران اسلام‌گرایان در قبال تحولات سوریه چه تأثیری بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ که نتایجی در پایان ارائه گردید.

\* \* \* \* \*

### واژگان کلیدی

سیاست خارجی ترکیه، دوره‌ی اسلام‌گرایان، بحران سوریه، محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، رقابت‌های

بین‌المللی، نظریه‌ی نئورئالیسم.

۱ - دکترای روابط بین الملل از دانشگاه علامه طباطبایی

۲ - کارشناس ارشد اطلاعات استراتژیک

## مقدمه

ایران و ترکیه و سوریه، سه کشور راهبردی در منطقه‌ی غرب آسیا (خاورمیانه) هستند که تحولات داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی در هر کدام موجب تأثیر و تأثر متقابل می‌گردد. (شریفیان، ۱۳۹۱: ۱۳۹) کشور ترکیه در سال ۱۹۲۳ م. در پی فروپاشی امپراتوری عثمانی به دست مصطفی کمال پاشا تأسیس شد. (نورالدین، ۱۳۸۲: ۲۹) آتاتورک از ابتدا خط‌مشی را برای ترکیه در جهت اروپایی شدن ترسیم کرد. از این‌رو، نخستین رهبر ترک بود که شیوه رسمی حکومت خود را تمدن اروپایی قرار داد. به هر میزان که ترکیه از زمان تأسیس در ۱۹۲۳ م. به غرب گرایش می‌یافت، برای دهه‌ها، منطقه‌ی غرب آسیا را نادیده می‌گرفت و آن را در اولویت اول سیاست خارجی خود قرار نمی‌داد. در دهه ۱۹۹۰ م. رویکرد غالب بر سیاست خارجی ترکیه رویکردی غرب‌گرایانه و نگاه به قدرت‌های فرامنطقه‌ای است که متأثر از دیدگاه‌های کمالیستی بوده است. ترکیه در اواخر سال ۲۰۰۲ م. و با روی کار آمدن اسلام‌گرایان، در سیاست خارجی خود علاوه بر نگاه قبلی، دو گفتمان «عمق راهبردی» و «به صفر رساندن اختلاف‌ها با همسایگان» را مطرح کرد و نسبت به اعراب و منطقه‌ی غرب آسیا نیز گرایش پیدا کرد، اما از سال ۲۰۱۱ م. با وقوع درگیری‌های داخلی در سوریه، روابط ترکیه با این کشور دارای فراز و نشیب‌های زیادی بوده است و دولت ترکیه اقدامات مختلفی را در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی و نظامی علیه سوریه انجام داد. ترکیه در آغاز بر حل مسالمت‌آمیز بحران داخلی سوریه از طریق انجام اصلاحات تأکید داشت، ولی به تدریج سیاست میانجی‌گری را کنار گذاشت و رسماً سیاست حمایت از مخالفان را در پیش گرفت و با این حرکت، دو گفتمان «عمق راهبردی» و «به صفر رساندن اختلاف‌ها با همسایگان» را به چالش کشاند. با توجه به نوع رابطه ایران و سوریه و نقش این کشور در سیاست‌های منطقه‌ای ایران، سیاست‌های ترکیه نسبت به تحولات سوریه به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر روی منافع ملی و محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. (یزدان پناه درو، ۱۳۹۲: ۱۰۳) بنابراین، این مقاله در صدد یافتن پاسخ به این سؤال است که سیاست خارجی ترکیه در دوران اسلام‌گرایان در قبال تحولات سوریه چه تأثیری بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ در این مقاله با استفاده از نظریه نئورئالیسم تبیین می‌شود که کسب منافع با توجه به واقعیات حاکم بر نظام بین‌الملل چگونه

بر رفتار سیاست‌مداران و سیاست خارجی یک کشور تأثیر می‌گذارد؟ هم‌چنین با استفاده از نظریات اسلامی امنیت و به تبع آن، نظریات حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> و رهبر معظم انقلاب پیرامون امنیت جمهوری اسلامی ایران و با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عوامل مؤثر بر محیط امنیتی ایران در منطقه‌ی غرب آسیا تبیین می‌شود و به نوعی دلایل حمایت‌های ایران از دولت سوریه بیان می‌گردد.

### چارچوب نظری

رویکرد رئالیستی نگاهی مادی‌گرا به نظام بین‌الملل دارد. این رویکرد دولت‌ها را بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل تلقی می‌کند و مرجع امنیت را دولت می‌داند. دولت‌ها با توجه به آنارشیک بودن نظام بین‌الملل، در پی افزایش قدرت و امنیت خود هستند. در این میان، قدرت نظامی بیشترین اهمیت را برای افزایش امنیت دارد. از دید رئالیست‌ها، ارزیابی قدرت از توانایی‌های نظامی آغاز می‌گردد و تنها در مرحله بعد به دیگر توانایی‌هایی که مستقیماً به حفظ و کاربرد توانایی‌های نظامی کمک می‌کنند و سپس به عواملی که به شکل غیرمستقیم‌تر چنین نقشی دارند، پرداخته می‌شود. بنابراین، قدرتمندترین بازیگران آنهایی هستند که از نظر نظامی توانمندتر از دیگران هستند. (تریف، ۱۳۸۳: ۸۴)

نگاه واقع‌گرایی در حوزه‌های مربوط به روابط بین‌الملل و بصیرت‌های حاصل از آن، جز با شناخت مفروضات آن قابل درک نیست. (اطاعت و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۱۶) کلان‌نظریه‌ی رئالیسم (واقع‌گرایی) از جمله پارادیم‌های مطرح در روابط بین‌الملل است که در فرایند تحلیل و تبیین تحولات نظام بین‌الملل دچار مناظره‌های میان پارادایمی گردیده، و ثمره‌ی آن ظهور خرده‌نظریه‌های متعددی از درون آن بوده است. مهم‌ترین این رویکردها عبارتند از: رئالیسم کلاسیک هانس جی مورگنتا، نئورئالیسم (رئالیسم ساختاری) کنت والتز، رئالیسم نئوکلاسیک گیدئون رز و هم‌چنین رئالیسم تهاجمی و رئالیسم تدافعی که این دو از درون نئورئالیسم متولد شدند. نئورئالیست‌ها هدف از کسب قدرت را به‌دست آوردن امنیت می‌دانند و بیشتر توجه‌شان به قدرت اقتصادی است. از نظر نئورئالیسم، قدرت یک کارکرد سیستمی دارد و براساس توزیع آن، ساختار بین‌المللی شکل می‌گیرد. نئورئالیست‌ها نظام بین‌الملل را یک نظام آنارشیک می‌دانند، البته نه هرج و مرج طلب، ولی دارای مفهومی کانونی و آن را از

ویژگی‌های ساختار بین‌الملل می‌دانند. نئورئالیست‌ها به دنبال حفظ موقعیت خود و ارتقای آن در نظام بین‌الملل هستند و هدفشان کسب بهترین جایگاه در سلسله‌مراتب قدرت در روابط بین‌الملل است. آنها قدرت نسبی را بر قدرت مطلق ترجیح می‌دهند و معتقدند که کشورها به دنبال جایگاه موقعیت و قدرت مناسب در روابط بین‌الملل هستند.

با اتکا به نظریه‌ی نئورئالیستی سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات و ناآرامی‌های سوریه قابل فهم و تبیین است. جهان امروز، نظام بین‌المللی را نیازمند دو مقوله قدرت کرده است: یکی قدرت نظامی و دیگری قدرت اقتصادی. با توجه به سیاست حزب عدالت و توسعه در رونق اقتصادی ترکیه و تلاش هیأت حاکمه برای کسب رتبه اول منطقه و به دست‌گیری رهبری منطقه، می‌توانیم از این نظریه در جهت تبیین سیاست خارجی این حزب استفاده کنیم. دولت ترکیه به خوبی می‌داند برای رسیدن به اهداف کشورش یعنی کسب منافع و قدرت و تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا باید نظر موافق کشورهای اروپایی و آمریکا را جلب نماید و یکی از راه‌های این جلب نظر جانبداری از موضع آنها و مخالفان سوریه می‌باشد. محور اصلی مواضع ترکیه در تحولات منطقه‌ی غرب آسیا و ناآرامی‌های سوریه بر اصل «منافع ملی» استوار است. موضوعاتی چون دفاع از حقوق بشر و حمایت از دموکراسی‌خواهی مردم سوریه، چتری است که در سایه‌ی آن منافع ملی ترکیه دنبال می‌شود.

با توجه به چندوجهی بودن موضوع بر آن برآمدیم تا برای تبیین محیط امنیتی ایران و عوامل مؤثر بر آن و سیاست‌های اعمالی ایران در منطقه، از نظریه امنیت از منظر امام خمینی<sup>(ره)</sup> که نشأت گرفته از نظریه اسلام می‌باشد، استفاده کنیم. بنابراین، برای درک و فهم بهتر این موضوع، نظریه امنیت از نگاه اسلام و به تبع آن امنیت از دیدگاه امام خمینی را بررسی کردیم. در دیدگاه کلی می‌توان مبانی امنیت و سیاست خارجی در اسلام را به صورت زیر خلاصه نمود:

الف) حفظ دارالاسلام در مقابل دارالحرب، دارالکفر، دارالمعاهده و دارالبغی

ب) اصل دعوت

ج) اصل نفی سبیل

با توجه به مبانی و اصول سیاست خارجی اسلام، مشخص می‌گردد که این مسأله در چارچوب بنیان‌های ملی، منطقه‌ای، نژادی یا جغرافیایی محصور نمی‌ماند، بلکه رسالتی جهانی و پیام آن برای همه جهان است. در اسلام، وضع موجود و حاکم بر سیاست جهانی از قبیل حاکمیت زور و محرومیت ملل مستضعف مردود است. در واقع، هدف نهایی اسلام استقرار کامل ارزش‌های الهی است. بر این اساس است که نظام حکومت اسلامی از لحاظ آرمانی باید خود را نسبت به همه مسلمانان و محرومان جهان متعهد بداند. (خودسیانی، همان: ۲۳)

هم‌چنین بنا به نظر امام خمینی<sup>(ره)</sup>، نه تنها امنیت مردم مسلمان و امنیت کشور و امنیت حکومت جمهوری اسلامی ایران از هم جدا نبوده، بلکه مرتبط با امنیت و منافع دیگر مسلمانان جهان نیز هست. این تفسیر آرمانی از امنیت، مانع از آن نمی‌شود که امام خمینی حفظ جمهوری اسلامی ایران را از اهم واجبات بشناسند: «الان جمهوری اسلامی یعنی اسلام و این، امانتی است بزرگ که باید از آن حفاظت کنید.» (همان: ج ۱۹: ۲۵۰) در مجموع، امنیت و امنیت ملی در اندیشه امام خمینی، ابزار است نه هدف. کما اینکه کل سیاست نیز ابزار است؛ ابزاری در خدمت سیر الی‌الله در دنیای فانی طبیعت. به دیگر سخن، امنیت بخشی از سیاست است و سیاست خود متأثر از نگاه هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه اوست. (درویشی، ۱۳۸۹: ۸۰)

بر همین اساس، یکی از اصول مهم سیاست خارجی ایران، حمایت مؤثر از مسلمانان و ملت‌های مظلوم به‌ویژه ملت تحت ستم فلسطین می‌باشد که در قانون اساسی و در قانون برنامه پنجم بر آن تأکید شده است. بدین ترتیب، از بین نظریه‌های امنیت، نظریه حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> و مقام معظم رهبری می‌تواند سیاست خارجی و امنیت جمهوری اسلامی ایران را نسبت به موضوع سوریه تبیین نماید.

### سیاست خارجی ترکیه

ترکیه با نام رسمی جمهوری ترکیه کشوری اوراسیایی است و از مهم‌ترین کشورهای منطقه‌ی غرب آسیا است که بخش بزرگ آن یعنی شبه‌جزیره آناتولی (۹۷ درصد خاک ترکیه و بخش آسیایی) در جنوب غرب آسیا و بخش کوچک آن یا تراس شرقی (۳ درصد خاک

ترکیه) که تراکیه نیز نامیده می‌شود، در جنوب شرق اروپا قرار دارد. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷: ۵) برقراری حکومت جمهوری توسط آتاتورک، موجب تحولات و تغییرات عمیق و دامنه‌داری در آن کشور شد. (کسرای، ۱۳۷۶: ۱) از زمان تأسیس جمهوری ترکیه، نزدیکی به غرب و به‌ویژه اروپا، اولویت اصلی سیاست خارجی این کشور بوده است. (افضلی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۹۴) سیاست خارجی ترکیه از زمان تأسیس تاکنون به دو دوره تقسیم می‌شود که عبارتند از:

#### مبانی و اصول سیاست خارجی ترکیه از ۱۹۲۳ تا ۲۰۰۲ میلادی

به هر میزان که ترکیه از زمان تأسیس در ۱۹۲۳م. به غرب گرایش می‌یافت، برای دهه‌ها منطقه‌ی غرب آسیا را نادیده می‌گرفت و آن را در اولویت اول سیاست خارجی خود قرار نمی‌داد. (آقاعلیخانی، ۱۳۹۰: ۲۹) این کشور که به واسطه حضور هواداران آتاتورک در قدرت تا دهه ۹۰ میلادی، منطقه‌ی غرب آسیا را از اولویت اول سیاست خارجی خود خارج کرده بود و به دنبال تحولات منطقه‌ای و جهانی توجه خویش را به غرب معطوف کرد. (همان: ۲۷) کمالیسم مبتنی بر اصول شش‌گانه زیر است که در قانون اساسی سال ۱۹۳۷م. نیز مندرج شد:

(۱) ناسیونالیسم؛

(۲) سکولاریسم؛

(۳) جمهوری خواهی؛

(۴) مردم‌گرایی؛

(۵) دولت‌گرایی؛

(۶) اصلاح‌طلبی.

اصول یادشده در بسیار از موارد تأثیر مستقیمی بر سیاست خارجی ترکیه داشته است. تأثیرگذاری این اصول بر سیاست خارجی بدین ترتیب بود که تحت تأثیر این اصول رهبران ترکیه جامعه‌ای با دو ویژگی عمده بنا نهادند: ویژگی نخست، ترکیه را از کشورهای منطقه و مسائل آن دور می‌کرد و ویژگی دوم سیاست خارجی ترکیه را هر چه بیشتر به سوی غرب

سوق می‌داد. از این‌رو، تا دهه ۱۹۶۰م. که ترکیه با معضلات منطقه‌ای در سیاست خارجی خود مواجه نشده بود، مسائل منطقه‌ای در درجه دوم از اولویت‌های این کشور قرار داشت. در پرتو اصول یادشده ترکیه خط‌مشی‌های زیر را به‌عنوان راهبرد سیاست خارجی تعریف کرد:

- (۱) بهره‌برداری از قدرت اقتصادی و صنعتی غرب؛
- (۲) تلاش برای شناخته شدن به‌عنوان یک ملت اروپایی و پذیرفته‌شده در تمدن غرب؛
- (۳) مداخله نکردن در امور کشورهای غرب آسیا؛
- (۴) پرهیز از مداخله در مناقشات میان کشورهای منطقه؛
- (۵) توسعه روابط دوجانبه با همه کشورهای منطقه؛
- (۶) توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای منطقه (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۳۷-۲۳۶)

#### مبانی و اصول سیاست خارجی ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه:

حزب عدالت و توسعه را از لایه مدرن حزب منحل‌شده رفاه تأسیس کردند. پس از کودتای سفید ضد اربکان و انحلال حزب رفاه، وی از سوی دادگاه قانون اساسی ناچار شد که استعفا دهد. رویدادهای پس از آن به زندانی‌شدن اربکان و رجب طیب اردغان منجر شد، ولی اردوغان، پس از مدتی آزاد شد و فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت. حزب فضیلت به رهبری رجایی کوتان جانشین حزب منحل رفاه شد، ولی این حزب هم به دلیل مخالفت نظامیان، توسط دادگاه قانون اساسی منحل شد. نبود استحکام درونی و رهبری کاریزماتیک، موجب درگیری و اختلاف درون این حزب شد. درگیری محافظه‌کاران حزب به رهبری رجایی کوتان و اصلاح‌طلبان — به رهبری عبدالله گل، بر سر فهم اسلام و برداشت و تفسیر آن در مسائل روزمره شدت گرفت؛ تا جایی که رجایی کوتان، پس از انحلال حزب فضیلت، حزب سعادت را با گرایش‌های اسلامی محافظه‌کارانه تأسیس کرد. اصلاح‌طلبان و نوگرایان آن نیز حزب عدالت و توسعه را به رهبری اردوغان و عبدالله گل تأسیس کردند. (فلاح، ۱۳۸۴: ۵) نگرش داود اوغلو متفاوت از سیاست‌هایی است که نجم‌الدین اربکان نخست‌وزیر اسلام‌گرا سال ۱۹۹۷م. در ترکیه اعمال کرد. اربکان به‌دنبال

ایجاد اتحاد اسلامی متشکل از کشورهای اسلامی مانند لیبی، ایران، مالزی و اندونزی به‌عنوان آلترناتیوی صریح در مقابل اتحاد با غرب بود؛ ولی رهبران حزب و عدالت و توسعه و به‌ویژه داود اوغلو به دنبال آن هستند که با گسترش روابط با شرق به نوعی روابط با اتحادیه اروپا و آمریکا را متوازن و به عبارت دیگر تکمیل کنند. (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۱۴۳) احمد داوود اوغلو، از سال ۲۰۰۲ م و با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، نظریه‌پرداز سیاست خارجی این کشور بوده است. تفکر داود اوغلو را می‌توان معطوف به استفاده حداکثری از همه فرصت‌های ممکن و دفع تهدیدها با همه ابزارها دانست. (صبری، ۱۳۹۰: ۱۸۰) داود اوغلو، مهم‌ترین دیدگاه‌های خود را در قالب دو گفتمان «عمق راهبردی» و «به صفر رساندن اختلاف‌ها با همسایگان» عرضه کرده است. دکترین «عمق راهبردی» که در کتابی به همین نام منتشر شده است، می‌گوید ارزش یک کشور در روابط بین‌الملل، از موقعیت ژئواستراتژیک و عمق تاریخی آن نشأت می‌گیرد. داوود اوغلو در کتاب خود، معتقد است: «ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود، دارای عمق راهبردی است». به همین دلیل، وی ترکیه را در زمره کشورهای کوچکی قرار می‌دهد که آنها را قدرت‌های مرکزی می‌نامد. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۴)

در راهبرد سیاست خارجی ترکیه، منطقه‌گرایی از اهرم‌های مهم ترکیه در ایجاد تعادل با قدرت‌های بزرگ، آمریکا و اتحادیه اروپا و استفاده از ظرفیت‌های هویت ژئوپلیتیک این کشور در جهت افزایش بازیگری منطقه‌ای و جهانی این کشور می‌باشد. (برزگر، ۱۳۸۸: ۳۴) سیاست‌های اصلاحی اردوغان حتی باعث شد تا حدودی اعتماد نظامیان هم جلب شود و از شدت خصومت آنها نسبت به اسلام‌گرایان کاسته شود. (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۷۴) ترکیه طی دهه اخیر به دلیل اهمیت منافع ملی در سیاست خارجی تلاش نموده نقش فعال‌تری در منطقه بازی کند. بر این اساس سران حزب حاکم عدالت و توسعه در ترکیه به طور شگفت‌انگیزی اعلام کردند که ترکیه در تمام تحولات منطقه تأثیرگذار می‌باشد. این حزب، امنیت منطقه‌ی غرب آسیا را امنیت ترکیه قلمداد کرده و در مسائل مهم منطقه اتخاذ سیاستی فعال و پیشگیرانه را یک ضرورت قلمداد کرد. (سختوتی، ۱۳۹۱: ۸) دولت ترکیه در این دوره بر اساس شاخص‌ها و اهدافی هم‌چون حفظ و افزایش منافع اقتصادی، مدل‌سازی از سیستم سیاسی‌اش در منطقه و



هماهنگ با این دو تدبیر شکل دادن به همگرایی و اتحاد سیاسی گسترده منطقه‌ای با محوریت خود و با هدف نهایی تبدیلی شدن به هژمونی منطقه مذکور و ساخت منطقه‌ای نوین به اتخاذ سیاست‌های عملی در رابطه با این مسأله مبادرت نمود. (صبوحی و حاجی مینه، ۱۳۹۱: ۱۱۵) راهبرد ترکیه برای سال ۲۰۲۳ م این است که در خرده‌سیستم‌های منطقه‌ای به‌عنوان مرکز و در نظام بین‌الملل به‌عنوان بازیگر شناخته شود. آنکارا همه تلاش خود را به‌کار بست تا با ورود به عرصه‌های تعامل و همگرایی با نظام بین‌المللی، حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی را بر پایه منافع خود در دو محور عمده گسترش دهد: نخست، الحاق به اتحادیه اروپا و دوم بهره‌گیری از موقعیت راهبردی خود در اروپا و قفقاز و آسیا. (حسینی و ابراهیمی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: ۷۴)

#### روابط ترکیه و سوریه

رابطه با سوریه و نحوه مدیریت آن همواره یکی از مسأله‌ها و نگرانی‌های اصلی سیاست داخلی و خارجی ترکیه بوده است. (اخباری، ۳۸۳۱: ۴) در ادامه مقاله برای فهم بهتر موضوع، به بررسی روابط ترکیه و سوریه در سه دوره تاریخی می‌پردازیم:

#### دوران تعارض و اختلاف (ناقبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه)

از زمان تشکیل ترکیه جدید و استقلال سوریه، چهار اختلاف عمده بین دو کشور وجود داشت: اولین اختلاف، اختلاف ایدئولوژیک است، از زمان استقلال سوریه از قلمرو امپراتوری عثمانی تا پایان جنگ جهانی دوم، اختلافات ایدئولوژیک بین ترکیه و سوریه ادامه داشت و در دوران جنگ سرد اختلافات بین دو کشور شدت گرفت. موج سیاسی حاکم بر روابط دو کشور باعث شده بود سوریه به خاطر گرایش ترکیه به اتحاد با غرب، این کشور را رویاروی خود ببیند و در مورد اهداف ملی عربی به این کشور بدگمان باشد. هنگامی که ترکیه رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت، این بدگمانی رو به فزونی نهاد. از طرفی هم ترکیه با توجه به مسائلی مثل قومیت‌گرایی افراطی عربی و ارتباط آنها با مسکو، به سوریه اعتماد چندانی نداشت. (امامی، ۱۳۷۷: ۶۸۷) در این میان سه اختلاف اصلی دیگر همواره سایه خود را بر روابط این دو کشور حفظ کرده است. مسأله کردها و تقسیم منابع آبی مشترک و اختلاف ارضی بر

سر استان هاتای، سه مسأله اختلاف‌انگیز در روابط ترکیه و سوریه بوده‌اند. هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کردهای ترکیه با استفاده از ناآرامی‌ها در کردستان عراق و تجهیز خود به سلاح گرم، با دولت آنکارا وارد چالش جدید جدایی‌طلبی شدند. ترکیه از همان زمان به بعد همواره سه دولت سوریه و ایران و عراق را به طور ادواری به حمایت از کردهای جدایی‌طلب متهم کرده است. (مرادیان، ۱۳۸۹: ۶۷۷) در مجموع، اختلافات دیرینه موجب شده بود تا کمالیست‌ها در پی روابط گرم با سوریه نباشند و حتی در تصمیم خود برای اتحاد با رژیم صهیونیستی در دهه ۱۹۹۰م نگاهی به تضعیف سوریه داشتند. (آقاعلیخانی، ۱۳۹۰: ۴۲)

#### دوره تعامل (زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه تا شروع بحران سوریه)

از زمانی که حزب عدالت و توسعه، اریکه قدرت را به دست گرفت، سیاست چندوجهی در روابط خارجی اتخاذ کرد. بر این اساس، طبق دکترین داوود اوغلو، سیاست تنش صفر با همسایگان تبلور پیدا کرد، (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۳) که یکی از کشورهایی که مدنظر حزب عدالت و توسعه در این راستا قرار گرفت، سوریه بود. سوریه به دلیل توسعه منابع نفتی می‌توانست بازار ارزشمندی برای ترکیه باشد. (واعظی، ۱۳۸۹: ۸۱) بدین ترتیب، روابط ترکیه و سوریه به‌رغم تنش‌های گذشته در یک دهه اخیر سیر صعودی را طی کرد و دو کشور به همکاری‌های گسترده‌ای شکل داد. پس از آن که سوریه در سال ۱۹۹۸م حمایت از حزب کارگران کردستان خودداری کرد و رهبر آنها را تسلیم ترکیه کرد، تحول مثبت در روابط ترکیه و سوریه آغاز شد. به قدرت رسیدن بشار اسد در سوریه در سال ۲۰۰۰م و حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲م سرعت توسعه روابط سیاسی-امنیتی و اقتصادی دو کشور را بسیار افزایش داد. دو کشور بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۹م حدود ۵۰ توافقنامه همکاری امضا و ایجاد شورای عالی همکاری راهبردی را اعلام کردند، علاوه بر این ترکیه و سوریه نخستین تمرین نظامی مشترک را انجام دادند. ترکیه و سوریه در سال ۲۰۱۰ توافقنامه تاریخی مبارزه با تروریسم را امضا کردند و در سال ۲۰۱۱ ترکیه به بزرگ‌ترین شریک تجاری سوریه تبدیل شد. (اسدی، همان) با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، روابط این کشور با سوریه نیز بسیار پیشرفت نمود؛ به طوری که اردوغان به‌عنوان نخست‌وزیر ترکیه، در سال ۲۰۰۴ و در پاسخ به سفر اسد، به این کشور

سفر نمود. وی در این سفر، چشم‌انداز روابط دو طرف را مثبت و خوش‌بینانه ارزیابی نمود. هم‌چنین وی در سال ۲۰۰۹ به اسد می‌گوید: «سوریه برای ما نه تنها بازاری با بیست میلیون نفر جمعیت، بلکه دروازه‌های به سوی منطقه‌ی غرب آسیا با جمعیت ۳۰۰ میلیون نفر محسوب می‌شود.» (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۱)

### دوره تنش و درگیری (از شروع ناآرامی‌های سوریه تاکنون):

وقوع بیداری اسلامی در منطقه‌ی غرب آسیا بسیاری از اهداف جاه‌طلبانه‌ی ترکیه را تحت‌الشعاع خود قرار داد و روابط مطلوبی که ترکیه به ابتکار خویش با نظام‌های اقتدارگرای عربی برقرار نموده بود، به چالش کشیده شد که بارزترین مصداق آن مورد سوریه و تشدید تنش‌های داخلی در این کشور همسایه بود. با آغاز ناآرامی‌ها در سوریه شاهد تشدید بازیگری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ترکیه برای مدیریت بحران و تأمین حداکثری منافع از خلال تحولات جهان عرب بودیم و نوع رویکرد ترکیه باعث تخریب جدی روابط بین دو کشور شد. تحولات سوریه نیز به معضلی جدی برای سیاست خارجی ترکیه در سطح منطقه تبدیل شد. (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۳)

دولت ترکیه از همان روزهای نخست شروع اعتراضات مخالفان حکومت سوریه، حمایت از اپوزیسیون سوریه را آغاز کرد و ضمن ترغیب دولت سوریه به انجام اصلاحات، در اغلب موارد موضع‌گیری‌های نسبتاً تندی در برابر نحوه برخورد با مخالفان اتخاذ کرد؛ از جمله اقدامات دولت ترکیه در همراهی با مخالفان دولت بشار اسد، می‌توان به پرپایی اردوگاه‌های پناهندگی برای مخالفان در داخل مرزهای خود با سوریه و برگزاری نشست سران مخالفان سوری در خاک ترکیه (استانبول)، تحت عنوان «شورای آزادی‌بخش ملی سوریه» و تلاش‌های دیپلماتیک به منظور ترغیب سوریه به انجام اصلاحات دموکراتیک اشاره کرد. (بیات، ۱۳۹۰: ۱۶۴)

ترکیه در نهایت به جمع دولت‌هایی پیوست که ضمن حمایت از مجازات‌های بین‌المللی علیه دولت اسد، مخالفان این دولت را به عنوان نمایندگان ملت سوریه به رسمیت شناخته‌اند. در حالی که چنین سیاستی قویاً از سوی قدرت‌های غربی مورد حمایت قرار گرفته و مخالفت گروه دیگری از دولت‌ها شامل روسیه و ایران را به دنبال داشته است و می‌تواند برای امنیت

ملی ترکیه تهدیدساز شود. (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۲۴) برخی از اقدامات ترکیه در برابر سوریه عبارتند از: مداخله در امور داخلی سوریه به بهانه نقض حقوق بشر و توسعه دموکراسی، فعال شدن دستگاه دیپلماسی ترکیه در بحران سوریه در سه سطح داخلی و منطقه و بین‌المللی، برگزاری نشست مخالفان سوری در استانبول، استقرار ارتش ترکیه در مناطق هم‌مرز در سوریه، آماده‌سازی افکار عمومی داخلی ترکیه در صورت بروز جنگ، درخواست کمک ترکیه از ناتو برای دخالت در بحران سوریه، ایجاد پایگاه پشتیبانی و آموزشی، تسلیحاتی از گروه‌های مخالف در داخل خاک ترکیه، انتقال گروه‌های تروریستی و سلفی از جمله القاعده از دیگر کشورها از طریق خاک ترکیه. (انتظاری، ۱۳۹۱: ۵۵-۶۱)

### سوریه و ماهیت بحران آن

کشور سوریه پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی به قیمومت کشور فرانسه درآمد. این کشور در سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل درآمد و نهایتاً پس از خروج آخرین سرباز فرانسوی در سال ۱۹۴۶ سوریه استقلال "عملی" خود را بازیافت. (کتاب سبز ترکیه، ۱۳۸۸: ۲۲) سوریه یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است که سه عامل (واقع شدن در منطقه راهبردی منطقه‌ی غرب آسیا، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق) به وضوح اهمیت ژئوپلیتیکی و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد و نوعی رقابت بین‌المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی این کشور شکل گرفته است. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۳) به دلیل همین اهمیت و نقش راهبردی، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل، «سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند. سوریه تنها بازیگر عربی است که در میان کشورهای منطقه‌ی غرب آسیا و آفریقای عربی، نقش مستقلی را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌نماید. درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه، محور اهمیت نظامی و راهبردی این کشور در منطقه می‌باشد. مهم‌ترین عارضه ژئوپلیتیک این کشور نیز این است که در جوارمرزهای فلسطین اشغالی، یعنی قلب منطقه‌ی غرب آسیا و کانون

معادلات چندمجهولی این منطقه واقع شده است. سوریه اصطلاحاً در محور مقاومت قرار دارد؛ این بدان معناست که از گروه‌های جهادی فلسطین، مخصوصاً حماس و جهاد اسلامی فلسطین و همچنین حزب‌الله لبنان، در برابر رژیم صهیونیستی حمایت می‌نماید. (همان) به طور خلاصه اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیک سوریه به شرح زیر می‌باشد:

۱) سوریه که در قسمت آسیای غربی واقع شده، محل ارتباط و پیوند سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است و این کشور بخش با اهمیتی از منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیا می‌باشد؛

۲) همسایگی سوریه با فلسطین اشغالی، لبنان و ترکیه و عراق به‌عنوان اجزای مهم ژئوپلیتیک منطقه از اهمیت زیادی برخوردار بوده و این کشور در معادلات سیاسی لبنان تأثیرگذار است. سوریه به‌عنوان یکی از کشورهای خط اول مبارزه با صهیونیسم نقش مهمی در دفاع از فلسطین بازی می‌کند؛

۳) سوریه تنها کشور عربی است که مناسبات مستقل منطقه‌ای و بین‌المللی دارد؛

۴) این کشور در انتقال نفت و گاز عراق و ایران به اروپا موقعیت ویژه‌ای دارد.

گزاره «بدون دمشق، اعراب نمی‌توانند با رژیم صهیونیستی صلح و سازش کنند»، هنوز قابلیت کاربرد و کاربست داشته و اعتبار خود را از دست نداده است. عدم حضور سوریه چه در دوران حافظ اسد و چه در ایام حکومت بشار اسد در روند صلح خاورمیانه و فرآیند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، باعث مختل شدن روند سازش و به بن‌ست رسیدن این فرآیند در منطقه شده و همین مسأله باعث شده تا مانعی بر سر راه توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی وجود نداشته باشد. (طارق اسماعیل، ۱۳۶۵: ۶۵)

با آغاز تحولات جنبش بیداری اسلامی، در سوریه نیز با اثرپذیری از این تحولات موجی از اعتراض‌ها در ۱۵ مارس ۲۰۱۱ آغاز شد و به صورت محدود و کمتر از یک هزار نفر در نقطه‌ای از شهر دمشق اعتراض کردند. مطالبات مردمی در سوریه شامل آزادکردن برخی از زندانیان سیاسی، اعطای مطالبات حقوق بشری مانند: آزادی بیان، اصلاح قانون

مطبوعات، لغو قانون فوق‌العاده، تصویب قوانین اصلاحات سیاسی مانند قانون تأسیس احزاب و توسعه گستره مشارکت سیاسی و برخی اصلاحات دیگر بود که سقف بسیار عادی و نازلی داشت، ولی عامل خارجی به طور برنامه‌ریزی شده، گسترده و در ابعاد گوناگون، سعی کرد تا این «گلوله برف را به یک بهمن تبدیل کند». در حالی که روند تحولات تونس و مصر، عامل داخلی و خواسته‌های مردمی، علل اصلی وقوع خیزش بود؛ در سوریه حوادث مثل گسل مصنوعی بوده که عامل خارجی از آغاز تا کنون تلاش نموده این گسل را به یک زلزله تبدیل کند و گستره دخالت عامل خارجی و تأثیرات آن در این تحولات مشهود و ملموس است؛ به گونه‌ای که امروز شاهد جنگ نیابتی در سرزمین شام هستیم. حکومت سوریه قبل از این که دامنه آتش اعتراض‌ها گسترش یابد، اقداماتی رفاهی از قبیل کاهش مالیات‌های اضافی بر صنایع غذایی و مصرفی، افزایش میزان یارانه‌ها و کاهش قیمت برخی از کالاهای اساسی را به سود عامه مردم انجام داد. (قاسمیان، ۱۳۹۲: ۱۰) به اجمال می‌توان معارضان مطرح سوریه را در این تحولات به سه جریان تقسیم نمود. سلفی‌ها، اخوان‌المسلمین سوریه و جریان سکولار و لیبرال. سلفی‌ها لایه اول معارضه در سوریه می‌باشند که عامل خشونت در شهرهای ناآرام سوریه محسوب می‌گردند. سلفی‌ها از سوی عربستان، جریان المستقبل لبنان و اردن حمایت مالی و تسلیحاتی می‌شوند.

اخوان المسلمین سوریه به رهبری «البیانونی» نیز طیف دیگری از جریان معارضه سوریه است که نسبت به دو لایه دیگر، از پایگاه اجتماعی بیشتری برخوردار می‌باشد. این جریان در حوادث اخیر از سوی ترکیه حمایت می‌گردد و تاکنون چندین کنفرانس را در شهرهای ترکیه برگزار نموده است. حزب عدالت و توسعه با حمایت از اخوان سوریه، عملاً این جریان را به کارت بازی خود برای پیروزی در انتخابات اخیر ترکیه تبدیل کرد. سومین لایه از جریان معارض در سوریه، سکولارها و لیبرال‌ها می‌باشند. این جریان که از گروه‌ها، احزاب و دسته‌جات متعدد غرب‌گرا تشکیل شده، فاقد پایگاه اجتماعی در میان مردم سوریه است و تنها در میان برخی از به اصطلاح روشنفکران حامیانی دارد. به صورت مشخص فرانسه و برخی از کشورهای اروپایی، از این جریان حمایت می‌نمایند. تشکیل شورای انتقالی معارضان سوریه در

استانبول در واقع پاسخی به خواسته‌های آمریکا و کشورهای غربی و برخی از کشورهای هم‌پیمان آمریکا بود که تلاش دارند با هدف قراردادن سوریه، یکی از حلقه‌های مقاومت در منطقه را تضعیف کنند. (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۴۷)

علل شکل‌گیری بحران سیاسی کنونی سوریه را می‌توان در سه سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبیین کرد. در این ارتباط، در سطح داخلی نقطه آغاز بروز بحران سیاسی سوریه، سال ۲۰۱۱ و انجام تظاهرات‌هایی به شکل عمده در مناطق حاشیه‌ای، کوچک سوریه متغیرهای مطالبات مردم برای انجام اصلاحات سوریه، مبارزه با فساد، انجام اصلاحات و کسب آزادی بوده است. در مقیاس منطقه‌ای تداوم بحران سوریه در منطقه به نوعی نتیجه رقابت بین دو جریان متعارض «مقاومت» و «محافظه‌کار» در منطقه‌ی غرب آسیاست. با آغاز بیداری اسلامی شاهد بروز رقابت فزاینده بین جریان مقاومت شامل کشورهای ایران و سوریه و گروه‌های مقاومت حزب‌الله لبنان و حماس در مقابل جریان مخالف شامل عربستان سعودی، اردن، جریان ۱۴ مارس به رهبری سعد حریری و تشکیلات خودگردان فلسطین در منطقه‌ی غرب آسیا بوده‌ایم. (آجورلو، ۱۳۹۲: ۱۷۷) در این راستا، شاهد تشدید دخالت‌های منطقه‌ای از سوی جریان محافظه‌کار عربی منطقه در سوریه و نیز مداخله خارجی کشورهای غربی به رهبری آمریکا در سوریه بودیم. درخصوص تبیین مسأله سوریه از لحاظ سطح بین‌المللی، دو عامل حائز اهمیت بوده است: راهبرد خاورمیانه‌ای آمریکا برای انتقال ارزان قیمت نفت منطقه‌ی غرب آسیا و نیز تأمین امنیت انرژی؛ حفظ امنیت رژیم صهیونیستی.

#### عوامل مؤثر بر تغییر سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات سوریه

رقابت تمامی بازیگران تأثیرگذار در تحولات جهان عرب بر محور "مهارت‌هدید" و افزایش "نقش و نفوذ" بوده است. به‌عنوان مثال، رقابت ایران و ترکیه نیز بیشتر بر مبنای نگرانی از افزایش نقش منطقه‌ای یکدیگر است. ترکیه سیاست کسب "رهبری سیاسی" در منطقه‌ی غرب آسیا را دنبال می‌کند و سعی دارد تا از پتانسیل‌های داخلی جهان عرب در راستای بهره‌برداری از "قدرت نرم" خود از یک سو و در جهت تقویت روابط اقتصادی با کشورهای عربی و کسب منافع در

منطقه از سوی دیگر بهره‌بردار. (مسعودنیا و فروغی، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۲) بنابراین، می‌توان گفت که در این شرایط، همه بازیگران با تمامی ابزارهای قدرت ملی، خواهان افزایش نقش و نفوذ خود بر مبنای مهار و نفوذ هستند. به طور کلی می‌توان گفت که برخی از عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی و جغرافیایی در این مهم نقش داشته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

### عوامل مؤثر منطقه‌ای بر سیاست خارجی ترکیه در برابر تحولات سوریه:

#### به‌دست گرفتن رهبری جهان اسلام

یکی از اهداف راهبردی دولت اسلام‌گرای ترکیه در منطقه به‌دست گرفتن رهبری جهان اسلام در راستای تبدیل شدن به بازیگر مهم منطقه‌ای می‌باشد. ترکیه با حمایت از مخالفان دولت اسد که از حمایت گروه‌های سنی مذهب مانند اخوان المسلمین، در داخل سوریه و دولت‌هایی مانند عربستان در خارج از این کشور برخوردار است، تلاش می‌کند تا ضمن معرفی خود به‌عنوان حامی جنبش‌های اسلامی، حمایت گروه‌های با نفوذی مانند اخوان المسلمین را کسب و از آن به‌عنوان ابزاری برای تحقق رؤیای رهبری جهان اسلام استفاده کند. (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۴۱)

لازم به توضیح است که امروزه سه نوع اسلام سیاسی در منطقه‌ی غرب آسیا مطرح است: اسلام انقلابی ایران، اسلام سلفی مورد حمایت عربستان و اسلام لائیک با مرکزیت ترکیه. نگاه غربی و به‌ویژه آمریکا به این سه نوع اسلام متفاوت است. در خصوص اسلام انقلابی ایران، غرب به شدت با آن مخالف است. نوع نگاه به اسلام سلفی، استفاده ابزاری از آن است، یعنی غرب و آمریکا تا مرحله‌ای از این نوع اسلام حمایت می‌کند که منافعش تأمین باشد (نصری، ۱۳۹۱: ۲۱۳-۲۲۰) و در کل می‌توان گفت که غرب و آمریکا با اسلام ترکیه مخالفتی ندارد.

با شروع ناآرامی‌های منطقه‌ی غرب آسیا، ترکیه به رهبران این ناآرامی‌ها توصیه کرد که مدل ترکیه را به‌عنوان الگو قرار دهند، در صورت پیروزی مخالفان اسد، ترکیه با کشوری همسایه می‌شد که دیگر ادعاهای تاریخی خود پیرامون منطقه اسکندرون و نحوه استفاده از آب‌های رودخانه دجله و فرات را مطرح نمی‌کرد. مهم‌تر از همه اینکه با کشور ترکیه در خصوص موضوع کردها به‌عنوان



مهم‌ترین موضوع امنیتی ترکیه، همکاری می‌کرد و امنیت ورود انرژی از کشورهای عربی از طریق خاک سوریه به ترکیه تأمین می‌شد. (مسعودنیا و فروغی، ۱۳۹۱: ۱۰۲)

### حفظ روابط دوستانه با کشورهای عربی

برخی از ویژگی‌های دولت سوریه مانند نزدیکی به ایران، حمایت از گروه‌های مقاومت و مخالفت این کشور با برخی از سیاست‌های غرب در منطقه مثل «پروسه صلح» سبب شد تا دولت‌های عربی متحد با غرب با وقوع ناآرامی‌ها در سوریه، سیاست حمایت از مخالفان اسد را اتخاذ کنند. از آنجا که یکی از اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه گسترش نفوذ سیاسی اقتصادی و حتی حضور در تریبات امنیتی منطقه‌ی غرب آسیاست، همراهی با مواضع قطر و عربستان در تحولات سوریه در رسیدن ترکیه به این اهداف کمک می‌کرد. (همان: ۱۰۳)

### بهبود روابط با رژیم صهیونیستی

ترکیه یکی از متحدان اصلی رژیم صهیونیستی در منطقه‌ی غرب آسیاست. با به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در ترکیه ظاهراً تنش‌هایی بین دو کشور شکل گرفت و روابط بین دو کشور با تردیدهایی روبرو شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۰۳-۳۰۴)، اما با سپری شدن این تنش‌های مقطعی به نظر می‌رسد ترکیه در حال تبدیل شدن به بازیگر منطقه‌ای و بهبود روابط با غرب در صدد بازسازی روابط خود با رژیم صهیونیستی برآمده است؛ به طوری که لحن تند مقامات ترکیه‌ای نسبت به رژیم صهیونیستی تغییر کرده است و از آن کاسته شده است. حمایت ترکیه از مخالفان اسد می‌تواند در راستای حمایت از رژیم جعلی صهیونیستی ارزیابی شود. (مسعودنیا و فروغی، همان)

### تضعیف جایگاه ایران به عنوان رقیب منطقه‌ای خود

پس از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان (حزب عدالت و توسعه) روابط اقتصادی بین دو کشور تا مرز سی میلیون دلار در سال پیش رفت. هم‌چنین ترکیه سعی کرد در موضوع پرونده هسته‌ای ایران، میانجی‌گری کند، ولی واقعیت این است این دو کشور در خصوص برخی از موضوعات منطقه‌ای و جهانی با یکدیگر اختلاف نظر دارند. اختلاف این دو کشور در خصوص موضوعات سوریه زمانی

آشکار شد که ترکیه سیاست حمایت از مخالفان دولت بشار اسد را در دست گرفت و در مقابل، کشور جمهوری اسلامی ایران، ضمن تأکید بر انجام اصلاحات، خواهان توقف مداخله کشورهای خارجی در تحولات سوریه و توقف صدور سلاح از سوی کشورهای همسایه برای مخالفان شد. (معودنیا و نجفی، همان: ۱۴۷-۱۵۷) اختلاف ایران و ترکیه در مسائل منطقه‌ای ریشه در مسائل مختلف دارد، از جمله تفاوت ماهوی سیاست خارجی دو دولت، وابستگی ترکیه به غرب و در مقابل تأکید ایران بر استقلال عمل در سیاست خارجی، اما یکی از عوامل اصلی آن، رقابت دو کشور در سطح منطقه است. البته لازم به یادآوری است که رهبران سیاسی ایران بارها تأکید کردند که بازیگر بودن ایران در تحولات منطقه‌ای، مداخله‌جویانه نیست، بلکه میانجی‌گرایانه است. موقعیت اقتصادی ترکیه همراه با استقبال غرب از اسلام لیبرال حاکم در این کشور، دولتمردان ترکیه را در نیل به ایفای نقش قدرت برتر منطقه‌ای یاری کرده است. به اعتقاد ایران، سوریه به خاطر ارتباط و اتحاد با ایران و حمایت از لبنان و فلسطین، از سوی غرب مورد هدف قرار گرفته شد و غرب و متحدانش موج اعتراضات و خواسته‌های قانونی مردم را در راستای سرنگونی رژیم سوریه هدایت می‌کنند.

نکته اساسی در سناریوسازی تحولات سوریه، ضرر ایران در ادامه کشمکش‌های این کشور است. در حالی که اسرائیل از این روند یک رژیم و کشور ضعیف و درگیر در جنگی داخلی را دنبال می‌نماید، آمریکا و عقبه‌های راهبردی منطقه‌ای آن نیز بر همین راهبرد اتکا دارند. گروه‌های سلفی نیز نه تنها به دنبال براندازی هستند، بلکه در درازمدت تخریب تمام زیرساخت‌های سوریه را به انجام می‌رسانند که طبیعتاً این چیزی نیست که حکومت، مردم سوریه و دوستان این کشور بخواهند. جمهوری اسلامی ایران ضعف، درگیری و فرسایشی شدن بحران را در درون راهبردی‌ترین متحد منطقه‌ای امری نامیمون و غیرقابل قبول می‌داند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ی غرب آسیا نقش اساسی در بحران سوریه دارد که بدون حضور آن دستیابی به هرنوع توافق موفق را عقیم می‌نماید. ایران ضمن حمایت از حکومت و مردم سوریه هرنوع سناریوسازی که مبتنی بر حل مسالمت‌آمیز و سیاسی

بحران سوریه نباشد، رد نموده و با تمام ظرفیت و توان از دولت سوریه حمایت می‌نماید. (پرتو، ۱۳۹۲: ۱۵)

بحران سوریه آزمایشگاه خوبی برای ترکیه جهت محک‌زدن جایگاه و وزن خود در تحولات منطقه است؛ زیرا سوریه متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید و پیروز شدن بشار اسد موازنه قوای منطقه‌ای را به نفع جمهوری اسلامی ایران و به ضرر ترکیه تغییر داد. (مسعودنیا و فروغی، همان: ۱۰۵)

#### عامل بین‌المللی مؤثر بر سیاست خارجی ترکیه در برابر تحولات سوریه

در سطح بین‌المللی برای کشور ترکیه جلب‌نظر مساعد آمریکا و فراهم شدن فرصت برای پیوستن به اتحادیه اروپا حائز اهمیت است. هرچند ظاهراً در ابتدا در مقطع زمانی کوتاهی، در روابط دوجانبه ترکیه با غرب اختلافاتی پیش آمد، ولی به تدریج ترکیه در صدد بهبود این رابطه برآمد که شاید مهم‌ترین اقدام ترکیه در این جهت، موافقت با استقرار سامانه دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه بود. سیاست خارجی ترکیه در حمایت از مخالفان اسد را نیز باید در چارچوب تلاش این کشور برای کاهش تنش در روابط با غرب و استفاده ابزاری از آن به منظور چانه‌زنی برای پیوستن به اتحادیه اروپا تفسیر کرد. (همان: ۱۰۶) نکته دیگر اینکه ترکیه مایل نیست در سطح منطقه‌ای به صورت یک کشور هم‌تراز و با مسئولیتی مشترک با قدرت‌های منطقه حضور داشته باشد. ترکیه در چشم‌انداز ۲۰ ساله، کشور برتر منطقه را پیش‌بینی کرده است؛ از این جهت، مایل است که در رأس یک بلوک منطقه‌ای قرار گیرد و گمان می‌کند که تحولات منطقه عربی این فرصت را به جود آورده تا ترکیه با کمک آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها و رژیم‌هایی نظیر عربستان بتواند به موقعیت راهبردی در منطقه دست پیدا کند و به همین جهت هم برای جلب رضایت آنها، سرنگونی نظام سیاسی سوریه را مطرح می‌کند. (سایت محراب، ۱۳۹۲، [www.masjed.ir](http://www.masjed.ir))

### محدودیت‌های جغرافیایی ترکیه

ترکیه احساس می‌کند در یک فضای بسته جغرافیایی به سر می‌برد. نخست‌وزیر ترکیه اعلام کرده بود که ترکیه در محدوده آناتولی باقی نمی‌ماند که در حقیقت اشاره نخست‌وزیر به محدودیت‌های جغرافیایی ترکیه بود. اگر بخواهیم این موضوع را اندکی مورد کاوش قرار دهیم، می‌بینیم که ترکیه با توجه به راهبرد نفوذ منطقه‌ای خود، نمی‌تواند در کشورهای شمال که کشورهای اروپایی هستند، نفوذی داشته باشد؛ چراکه از تفاوت بنیادین در مذهب، اقتصاد و سیاست با آنها برخوردار است. این موضوع را باید مقداری مورد بحث قرار دهیم. ترکیه از جنبه مرزهای شرقی خود، یعنی از لحاظ ارتباط با ارمنستان، گرجستان و آذربایجان و ایران قادر نیست که از این بستر در تحکیم موقعیت منطقه‌ای خود استفاده کند، چراکه از یک سو رابطه ترکیه و ارمنستان به دلیل ماجرای تاریخی ارامنه در دوره حکومت عثمانیان تیره است، از سوی دیگر رابطه ترکیه با گرجستان به دلیل تحولات سیاسی که وجود دارد، حسنه نیست و نیز گرجی‌ها کمتر از ترکیه تأثیر می‌پذیرند. مرزهای جغرافیایی آذربایجان با ترکیه مرزهای یکپارچه‌ای نیست و ترکیه تنها از طریق نخجوان به جمهوری آذربایجان متصل است، ضمن اینکه اساساً آذربایجان کشور مطرچی در سطح منطقه به حساب نمی‌آید. ایران هم که بخشی از مرزهای شرقی ترکیه را پوشش می‌دهد، خود دارای داعیه قدرت منطقه‌ای است و از این‌رو، ترکیه نمی‌تواند روی مرزهای شرقی خود به طور جدی حساب کند. ترکیه در مرزهای غربی با یونان و قبرس مواجه است که سرگذشت تاریخی ترکیه و این دو کشور همواره توأم با جنگ و درگیری بوده است. در جنوب، ترکیه با عراق و سوریه مواجه است. به دلیل این که حکومت بغداد، با اکثریت شیعه است، احساس هم‌خونی بین آنکارا و بغداد وجود ندارد، ضمن اینکه نزدیک به ۲۵ میلیون کرد که مخالف حکومت ترکیه هستند، بین بغداد و آنکارا فاصله ایجاد کرده‌اند؛ بنابراین، از ناحیه عراق هم ترکیه نمی‌تواند نفوذ جغرافیایی داشته باشد. پس فقط سوریه باقی می‌ماند که در روابط ترکیه و سوریه هم مشکلاتی وجود دارد. از یک طرف علوی‌ها که در سوریه حکومت می‌کنند، در ترکیه به صورت یک اقلیت به سر می‌برند و در عین حال، ترکیه استان پهناور اسکندریه سوریه را به اشغال درآورده و از این‌رو، در فرهنگ مردم سوریه، اشغالگر به حساب می‌آید. اینها بیانگر این مطلب است که ترکیه از نظر جغرافیایی دارای محدودیت‌های شدید و بسیار گسترده‌ای است و این

محدودیت‌ها، ترکیه را در قبال تحولات سوریه وسوسه کرده است. مقامات ترکیه گمان می‌کنند با اعمال فشار بر حکومت سوریه می‌توانند رژیم علوی سوریه را ساقط کنند و به جای آن، رژیم همگرا با خود را بر سر کار آورند و از این طریق اختناق جغرافیایی خود را از بین ببرند. (سایت محراب، [www.masjed.ir](http://www.masjed.ir)، ۱۳۹۲)

سیاست خارجی ترکیه مؤید این است که رویکرد اخلاقی به سیاست، چشم‌انداز خامی است و در این راه ممکن است نیاز به قربانی دیگران به نفع خود باشد. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۷) همان‌گونه که اردوغان گفت، سوریه دروازه ورود ترکیه به منطقه‌ی غرب آسیاست. در واقع، تنها مسیری که ترکیه در حال حاضر به آن امیدوار است، سوریه است تا بتواند از راه تغییر در سوریه موقعیت منطقه‌ای خود را بهبود بخشد. (همان: ۱۲۸)

#### محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

معمولاً کشورها در محدوده منطقه‌ای خود بیشترین فعالیت را دارند و بیشترین تأثیر را از همین محیط می‌پذیرند. پس محیط بلافصل جغرافیایی برای هر کشور با عنوان محیط منطقه‌ای از اولین ملاحظات تعیین‌کننده محسوب می‌شود. محیط امنیتی هر کشور با توجه به این عناصر و ویژگی‌ها بر تمام رفتارها، نقش‌ها و سیاست‌های خارجی آن اثری تعیین‌کننده دارد و باید مورد توجه قرار گیرد. محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارای پیچیدگی‌ها و تنوع بسیار بیشتری است. از لحاظ جغرافیایی، محیط امنیتی ایران مشتمل بر چندین محیط جغرافیایی است: خلیج فارس، غرب آسیا، آسیای مرکزی، قفقاز و آسیای جنوبی و هم‌چنین نظام‌های غیرمجاور (در درجه نخست آفریقای شمالی، بالکان و هم‌چنین مناطق دیگر). تحولات در هر یک از این مناطق تأثیری مستقیم بر ایران خواهد داشت و فرصت‌ها و تهدیدات ایران در همین مناطق تعریف می‌شود. (امینیان، ۱۳۹۰: ۹) آنچه در تحلیل مؤلفه‌های محیط امنیتی ایران باید مورد توجه قرار گیرد، این واقعیت است که نگاه به این مؤلفه‌ها در منطقه‌ی غرب آسیا و خلیج فارس و احتمال پیدایش تهدید علیه ایران در این منطقه همواره بایستی در کنار مؤلفه‌های امنیتی ایران در دیگر مناطق در نظر آورده شود که در آن حوزه‌ها

دارای منافع است. (قربانپور، ۱۳۵۸: ۱۵۱) به طور کلی، می‌توان گفت عوامل موثر محیط امنیتی ایران عبارتند از میزان قدرت و نفوذ دشمنان منطقه‌ای، میزان قدرت و نفوذ هم‌پیمانان منطقه‌ای، نوع ارزش‌ها و ایدئولوژی حاکم بر منطقه، موقعیت جغرافیایی منطقه (ژئوپلیتیکی و راهبردی)، میزان نفوذ و دخالت قدرت‌های خارجی و مداخله‌گر در منطقه و... با توجه به ویژگی‌ها و خصایصی که برای محیط امنیتی در پیرامون ایران برشمردیم، محیط پیرامونی امنیتی ایران در حالت کلی از شاخصه‌های زیر برخوردار است:

- ۱) ناهمگونی و واگرایی در میان اعضای هر مجموعه، به طور نسبی مشهور است؛
- ۲) اختلافات ارضی - مرزی میان اعضا، غالباً وجود دارد؛
- ۳) تمایلات تجزیه‌طلبانه اختلافات قومی و زبانی، مذهبی - فرهنگی، مشاهده می‌شود؛
- ۴) ساختارهای حکومتی کشورها عمدتاً اقتدار محور می‌باشند؛
- ۵) فرآیند دموکراسی در این کشورها، ضعیف است؛
- ۶) امنیت در این کشورها به طور کلی محسوس به امنیت دیگری گره خورده است؛
- ۷) در پروسه تأمین امنیت «نگاه به بیرون» وجود دارد و عمدتاً کشورها به دنبال یک نیروی خارجی هستند؛
- ۸) پیمان‌های دو یا چندجانبه نظامی و دفاع مشترک در میان اکثر کشورها، شاکله مناسبات امنیتی آنهاست؛
- ۹) در تعریف مفهوم حوزه‌های امنیت، پیچیدگی‌هایی در میان اعضا وجود دارد که قابل اغماض نیست؛
- ۱۰) مجموعه‌های امنیتی پیرامونی ایران از حساسیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مبسوطی برخوردارند؛
- ۱۱) این مجموعه‌ها هریک به نحوی درگیر یک منازعه داخلی و یا یک جنگ خارجی هستند؛

۱۲) به لحاظ ساختارشناسی هر مجموعه از یک یا دو قدرت محوری تشکیل شده و بقیه اعضا پیرامون آن قرار دارند. (امیرشاه کرمی، سایت خبری تابناک، ۸۸/۱۰/۲۴)

بنا بر آنچه گفته شد، رویکرد ایران در منطقه براساس الگوی امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت قرار دارد. در این رویکرد، مشارکت جدی تمامی کشورهای منطقه در سازماندهی ساختار امنیتی منطقه‌ای و همکاری مؤثر در این خصوص در اولویت قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، حضور مداوم قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ترتیبات امنیت منطقه‌ای نفی و این حضور عامل عمده‌ای در جهت افزایش تعارضات و تنش‌ها در سطح منطقه تلقی می‌شود. (خودسیانی، ۱۳۹۱: ۲۰۱)

هم‌چنین با توجه به اصول نظریه امنیتی اسلام و اصول ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۱، ۳، قانون اساسی، اهداف فراملی جمهوری اسلامی ایران در بردارنده دفاع از حقوق همه مسلمانان، حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان، وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام است. (نبوی، ۱۳۸۳: ۳۶)

بدین ترتیب، از نهضت‌های آزادی‌بخش منطقه مانند محور مقاومت در برابر مستکبران حمایت می‌کند. بنابراین، سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه می‌تواند بر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه و در نتیجه، بر محیط امنیتی آن اثرگذار باشد که در ادامه به بررسی بیشتر آن خواهیم پرداخت:

#### بررسی تأثیر سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

##### افزایش قدرت مانور رژیم صهیونیستی در منطقه (حمله به غزه و...)

یکی از تهدیدات مهم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در نتیجه تحولات سوریه بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای است. خیزش‌ها و انقلاب‌های جهان عرب با دگرگونی نظام‌های سیاسی سنتی باعث ایجاد سطحی از بی‌ثباتی و خلأ قدرت در بخشی از کشورهای منطقه می‌شود. به عبارت دیگر، تغییر نظام سیاسی و انتقال قدرت به رهبران سیاسی جدید در این کشور با چالش‌ها و مسائل مختلفی همراه است که معضلات و بی‌ثباتی‌های قابل توجهی را در سطح منطقه ایجاد می‌کند. در این راستا، می‌توان گفت که بی‌ثبات شدن نظام‌های منطقه‌ی غرب آسیا به‌ویژه نظام سوریه و شکل‌گیری بحران داخلی این کشور باعث شد رژیم

صهیونیستی به خود اجازه دهد تا در جهت اشغال غزه حمله همه‌جانبه‌ای داشته باشد که به جنگ ۵۱ روزه معروف شد.

### افزایش حضور و قدرت آفرینی بازیگران خارجی (ناتو، اتحادیه عرب و ترکیه)

با گذشت زمان بحران سوریه به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های سیاسی و امنیتی برای منطقه و امنیت بین‌المللی تبدیل شده است. دلیل اصلی تداوم این بحران وجود بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای درگیر در این بحران است. به دلیل تأثیر تحولات سوریه بر مسائل منطقه‌ای و به دلیل جایگاه و نقش سوریه در اهم قضایای منطقه و بالاخره به دلیل موقعیت راهبردی این کشور در منطقه‌ی غرب آسیا، بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی یکی از متغیرهای اساسی در تحولات سوریه به شمار می‌روند. حمایت غرب و آمریکا از مخالفان نظم سوریه و به راه‌انداختن جنگ‌های نیابتی از سوی آنها در منطقه باعث افزایش ناامنی در منطقه و نظام سوریه شده است و جنگ‌های فرسایشی شکل گرفته است.

### کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران به دلیل کاهش قدرت محور مقاومت ایران

در طول یک دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران در همکاری و اتحاد با سوریه و گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان شکل‌دهنده ائتلاف منطقه‌ای مهمی موسوم به محور مقاومت در منطقه بوده است. این ائتلاف ضمنی منطقه‌ای پتانسیل راهبردی مهمی برای سیاست منطقه‌ای ایران است و باعث گسترش نفوذ و نقش آفرینی کشور در منطقه و مقابله با چالش‌های امنیتی از سوی دولت‌های رقیب و متخاصم شده است. با وقوع تحولات سوریه، زمینه‌ها و مؤلفه‌هایی برای گسست در محور مقاومت نیز قابل شناسایی است که مهم‌ترین هدف دولت‌های غربی در سوریه تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه به گونه‌ای سازگار با منافع درازمدت غرب از یک سو و حذف نیروهای مقاومت‌طلب به منظور تأمین امنیت رژیم صهیونیستی از طریق درهم شکستن خط مقدم نیروهای ضدصهیونیستی یعنی سوریه از سوی دیگر است. بنابراین، آنچه در سوریه در جریان است، به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر روی منافع جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است؛ چراکه سوریه پل ارتباطی ایران با جبهه مقاومت



است و تضعیف سوریه می‌تواند موجب کاهش قدرت مانور جبهه مقاومت و ایران شود. حتی برخی مقامات غربی و صهیونیستی این گونه اظهارنظر کرده‌اند که آنچه در سوریه اتفاق افتاده است، نتیجه آن را باید در داخل ایران دید.

یکی از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته توسط آمریکا و متحدانش (ترکیه و...)، سناریوی ایجاد فاصله و جدایی بین جمهوری اسلامی ایران و سوریه بود تا از این طریق حلقه مقاومت ایران از جریان مقاومت که توسط سوریه مستحکم شده بود، از بین برود و با این اقدام، نه تنها اسرائیل تهدید مهم و حیاتی علیه خود یعنی مقاومت اسلامی را سرکوب نماید، بلکه عمق نفوذ ایران در منطقه و برگ برنده ایران در منطقه‌ی غرب آسیا نیز از دست این کشور خارج گردیده و با این کار منافع آمریکا، غرب کشورهای عربی همراه با آن در منطقه نیز تضمین گردد. البته افزایش فشار به ایران و سوریه، نه تنها این دو کشور را از هم دور ساخت، بلکه موجب تقویت گرایش‌های این دو کشور به یکدیگر نیز گردید. (ایزدی، ۱۳۸۹: ۲۸)

در مجموع، به نظر می‌رسد هرچند جامعه بین‌المللی در مورد دخالت نظامی در سوریه مانند اتفاقی که در لیبی افتاد، هنوز به نتیجه نرسیده است؛ با این حال، ارزیابی فضای سیاسی حاکم بر منطقه و تهدیدها و فشارهای آمریکایی‌ها و متحدین آن علیه ایران و سوریه بیانگر این است که در حال حاضر تمام مهره‌های شطرنج سیاسی - ژئوپلیتیکی منطقه با بازیگری هوشمندانه و مزورانه آمریکایی‌ها و متحدین آن در برابر سوریه چیده شده است. در واقع، آمریکایی‌ها و متحدین آن با استفاده از این راهبرد می‌خواهند با یک تیر دو نشان را بزنند. نخست این که آنها می‌توانند با تشدید فشارهای سیاسی - اقتصادی هم‌زمان بر سوریه و ایران، بر انزوای ژئوپلیتیکی ایران بیفزایند و از این فرصت برای تغییر حکومت در سوریه بهره ببرند. نکته جالب توجه آن است که این روند اگر شکل بگیرد، برای ترکیه و عربستان به‌عنوان تنها رقبای منطقه‌ای ایران یک فرصت ژئوپلیتیکی حیاتی محسوب می‌شود.

## تأثیر تحولات سوریه بر راهبرد فلسطینی ایران

جمهوری اسلامی به دنبال قانع کردن حماس برای در پیش گرفتن رویکرد تهران در برابر بحران سوریه و هم‌زمان ترمیم روابط این گروه با دمشق بوده است. دیدار هنیه از ایران و گفته‌های او مبنی بر اینکه حماس قصد رویگردانی از حامی دیرین خود یعنی سوریه را ندارد، تهران و دمشق را تا اندازه‌ای از بابت وفاداری حماس و روی‌نگرداندن آن از بشار اسد آسوده‌خاطر کرد، اما تنها دو هفته پس از دیدار هنیه از تهران، او در اظهاراتی بی‌سابقه در قاهره به حمایت خیزش مردمی در سوریه پرداخت، حمایتی که «نخستین گام علنی آن جنبش در رهاکردن حامی دیرینه خویش و پشت‌کردن به آن» تفسیر شد. از ابتدای انقلاب اسلامی ایران، مسأله فلسطین هسته اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌داده است. پشتیبانی از آرمان فلسطین و پایداری در برابر رژیم صهیونیستی به دلایل ایدئولوژیک و راهبردی، همیشه بخش جدایی‌ناپذیری از هویت و رویکرد بین‌المللی جمهوری اسلامی به‌شمار رفته است، اما از سویی سیاست ایران در برابر مسأله فلسطین تا اندازه زیادی زیر سایه مناسبات آن کشور (ایران) با سوریه شکل گرفته است. به همین دلیل است که تنش پدید آمده میان دمشق و حماس، ناشی از موضع مبهم حماس در برابر بحران سوریه، به رابطه این جنبش فلسطینی با تهران هم تسری یافته است.

حمایت ایران از حماس و گروه‌های فلسطینی در جنگ اخیر ۵۰ روزه رژیم صهیونیستی علیه غزه بار دیگر به آنها ثابت کرد که طرفداری از مخالفان اسد یک اشتباه بوده و به ضرر محور مقاومت تمام می‌شود. در حقیقت، مواضع حماس در قبال بحران سوریه، یکپارچگی «محور مقاومت» را در خطر قرار داده است. ایران «برای مصلحت مقاومت»، سخت می‌کوشد از جدایی دو طرف کلیدی محور یادشده جلوگیری کند، اما این وضعیت آسانی برای تهران نخواهد بود که در میان دو بنیان اصلی سیاست خارجی خود یعنی پشتیبانی از آرمان فلسطین و حفظ روابط راهبردی خود با سوریه گرفتار شده است.

### تأثیر تحولات سوریه بر جایگاه و قدرت نرم ایران (کاهش قدرت هم‌بیمانان ایران)

در بررسی حلقه منطقه‌ای بحران سوریه، نقش ایران به‌عنوان اصلی‌ترین حامی سوریه با دیگر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به صورت اساسی متفاوت است و حمایت جمهوری اسلامی از نظام مردمی سوریه همان قدر اهمیت دارد که اهمیت راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران دارد و ایران هیچ‌وقت از هدف اصلی خودش که هم اینک نجات سوریه است، لحظه‌ای غفلت نمی‌کند.

از طرفی جمهوری اسلامی ایران فروریزی جبهه سوریه در مقابل رقبای منطقه‌ای عربستان، قطر و ترکیه را به منزله کاهش نفوذ راهبردی خود می‌داند، و هم‌چنین تزلزل در ارکان مقاومت اسلامی و تحقق آن را هم به مفهوم بر هم خوردن توازن قوا در منطقه و تقویت موضع رژیم صهیونیستی می‌داند؛ بنابراین، از هیچ‌گونه طرح شتاب‌زده‌ای که منجر به فروپاشی نظام سوریه و تسلط جریان مخالف دولت شود، استقبال نمی‌کند، در نظر ایران، سقوط بشار اسد به هرج و مرج بیشتر در منطقه خواهد انجامید.

### تأثیر تحولات سوریه فعالیت گروه‌های افراطی سلفی و افزایش سهم‌خواهی آنها در منطقه

اسلام‌گرایی، چه به‌عنوان یک ایدئولوژی و چه به‌عنوان یک جنبش، از بدو شکل‌گیری خود را در رقابت با دو حرکت مدرن غرب‌گرایی و ملی‌گرایی عربی دیده است. از این‌رو، این دو حرکت همواره تلاش کردند تا با کنار زدن اسلام‌گرایی حقیقی، به‌زعم خود زمینه را برای پیدایش یک حرکت انحرافی به نام داعش و... فراهم کنند. این گرایش که اغلب با عنوان افراط شناخته می‌شود، بیشتر در پی کسب نتیجه برآمده و از هرگونه فعالیت حتی خشونت‌آمیز که به حذف رقیب خود بینجامد، ابا نداشته است و چهره اسلام رحمانی و اسلام واقعی در جهان را خدشه‌دار کرده است.

### افزایش شکاف جامعه اهل سنت با اهل تشیع

در پی تحولات سوریه رویکرد تعامل دولت‌های سنی عرب منطقه با ایران از الگوی رقابت خارج شده و عملاً به تقابل رسیده است. به‌عنوان مثال، تلاش گسترده عربستان برای تحریم نفتی

ایران به‌طور کلی خارج از چارچوب رقابت است و با توجه به اهمیت نفت در صادرات ایران، آشکارا یک اقدام خصمانه تلقی می‌شود. عدم وجود منافع مشترک میان ایران و این کشورها در بسیاری از پرونده‌ها نیز باعث تشدید اختلافات میان طرفین شده است. (خودسیانی، ۱۳۹۱: ۲۰۱) در بحران سوریه، امپراتوری رسانه‌ای مخالفان دولت سوریه (اعم از غرب و هم‌پیمانان منطقه‌ای آنها) تلاش کردند تا بحران سوریه و درگیری‌های آن را جنگ مذهبی شیعه و سنی جلوه دهند و کشورهای عرب منطقه را علیه دولت سوریه و ایران تحریک کنند.

### تغییر توازن قوای منطقه‌ای

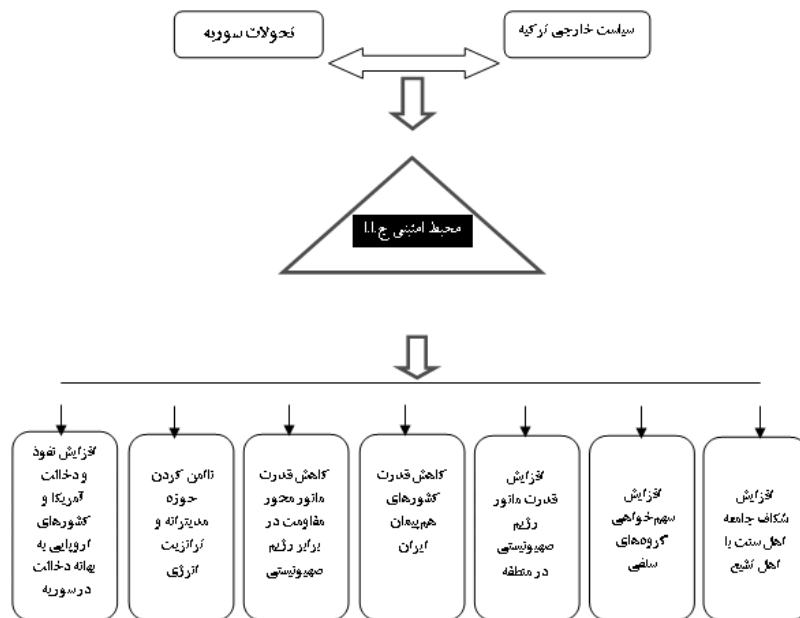
یکی از اهداف مشترک مخالفان سوریه مانند کشور ترکیه، هدایت تحولات جهان عرب به مسیر دلخواه و در نهایت تغییر توازن قوای منطقه‌ای به سود خود می‌باشد. این کشورها در تلاشند تا از تغییر در کشورهای متحد ایران حمایت کنند و با تغییر در کشورهای مخالف و رقیب ایران مخالفت کنند. آمریکا و ترکیه تحولات جهان عرب را فرصت مغتنمی برای گسترش الگوهای سیاسی و اقتصادی خود در چارچوب دموکراسی ترکیه محور ارزیابی می‌کنند. ترک‌ها، گسترش الگو و نظم آمریکایی را که قرابت و نزدیکی خاصی به الگوی ترکیه دارد، عاملی برای گسترش نقش و نفوذ خود در منطقه‌ی غرب آسیا و افزایش ارزش راهبردی کشورشان ارزیابی کردند. بنابراین، به نظر می‌رسد بتوان چکیده سیاست ترکیه و آمریکا را تلاش برای هدایت تحولات به سوی نظم غربی و دموکراسی‌های ترکیه محور معرفی کرد. در نهایت موضع ایران در قبال تحولات جهان عرب، تلاش برای گسترش نظامی جدید در منطقه‌ی غرب آسیاست که به ایجاد موازنه قوای جدیدی به سود جمهوری اسلامی ایران و به ضرر آمریکا و عربستان منتهی می‌شود. به باور ایران با توجه به اینکه اسلام‌گرایان مهم‌ترین اپوزسیون محسوب می‌شوند، گسترش دموکراسی در منطقه به معنای ایجاد نظامی اسلامی و ضدغربی است. به شکل خاص، سوریه را می‌توان اوج محور رقابت و جدال بین ایران از یک سو و آمریکا و ترکیه و عربستان از سوی دیگر دانست.

از آنجایی که سوریه مهم‌ترین محور و کشور عربی حامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شامات و مهم‌ترین عامل ارتباط بین ایران و نیروهای مقاومت در جنوب لبنان و فلسطین

اشغالی است. در نتیجه، به شکلی سرنوشت توازن قوای منطقه‌ای نیروهای مقاومت به رهبری ایران و نیروهای محافظه‌کار به رهبری آمریکا به سوریه بستگی دارد. بر این اساس، هرگونه تغییر در سوریه می‌تواند توازن قوای منطقه‌ای را تغییر دهد. بنابراین، چکیده سیاست ایران را می‌توان مقاومت در برابر نظم آمریکایی و تلاش برای ایجاد نظم اسلامی و ضدغربی معرفی نمود. (ترابی، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۸۳)

### بروز و تشدید اختلافات منطقه‌ای (ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس با ایران)

یکی از پیامدهای منفی تحولات جهان عرب به خصوص سوریه، افزایش اختلافات منطقه‌ای بین ایران با عربستان و ترکیه در نوع نگاه و شکل حامی تغییرات بر تحولات منطقه است. به شکل خاص تر اختلاف بین ایران و ترکیه بیشتر در زمینه ایجاد ساختارهای جدید و ماهیت نظام های سیاسی آینده کشورهای منطقه است. اوج تفاوت و اختلاف در راهبرد دو کشور را می‌توان در سوریه در مشاهده نمود. به طور کلی می‌توان گفت که سوریه مهم‌ترین حوزه‌ای است که رویکرد ترکیه در سوریه، در تضاد با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. ایران شکل‌گیری محور مقاومت در منطقه‌ی غرب آسیا را که سوریه بازیگر کانونی آن محسوب می‌شود، از مهم‌ترین دستاوردهای و حتی مهم‌ترین دستاورد خود در عرصه سیاست منطقه‌ای می‌داند. این محور ضمن ایجاد ابزارها و توانمندی‌های لازم برای بازیگری و نقش گسترده‌تر ایران در عرصه منطقه‌ای حتی نقشی بازدارنده در مقابل تهدیدات امنیتی بازیگران رقیب و متخاصم برای ایران نیز دارد. (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۷) بنابراین، آنچه در سوریه در جریان است، به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر روی منافع جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است؛ چراکه سوریه پل ارتباطی ایران با جبهه مقاومت است و تضعیف سوریه می‌تواند موجب کاهش قدرت مانور جبهه مقاومت و ایران شود. حتی برخی مقامات غربی و صهیونیستی این‌گونه اظهارنظر کرده‌اند که آنچه در سوریه اتفاق افتاده است، نتیجه آن را باید در داخل ایران دید. (خودسیانی، ۱۳۹۱: ۲۰۵)



### نتیجه‌گیری

تحولات منطقه‌ای غرب آسیا همواره از مؤلفه‌های تأثیرگذار اصلی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در طول سه دهه گذشته بوده‌اند. سوریه مهم‌ترین حوزه‌ای است که رویکرد ترکیه در آن، در تضاد با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. سوریه برای همه‌ی کشورهای منطقه و کشورهای قدرتمند جهان از جمله آمریکا استثنا است و هر تحولی در آن می‌تواند تأثیر بنیادینی بر منافع هر یک از طرفین بگذارد. در واقع، این استثنا ناشی از پیچیدگی راهبردی، افراطی شدن تحولات در سوریه و تعدد بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در مسأله سوریه است و ایجاد تعادل بین نیروهای متضاد در ماجرای سوریه کار چندان ساده‌ای نیست و تضاد منافع در تحولات سوریه میان کشورهای گوناگون به روشنی دیده می‌شود و می‌توان گفت که تحولات سوریه به یک جنگ نیابتی تبدیل شده است و ترکیه و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌شان به نیابت از طرف غرب و آمریکا در پازل آنها بازی می‌کنند. از مهم‌ترین پیامدهای تحولات سوریه و سیاست‌گذاری رقبای ایران در خصوص بحران سوریه و تلاش برای تغییر حکومت یا تغییر رفتار سوریه می‌توان به گسست در محور مقاومت در منطقه اشاره کرد. در طول یک دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران در همکاری و اتحاد با سوریه و گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان، شکل‌دهنده ائتلاف منطقه‌ای مهمی موسوم به محور مقاومت

در منطقه بود. این ائتلاف ضمنی منطقه‌ای، پتانسیل راهبردی مهمی برای سیاست منطقه‌ای ایران است و باعث گسترش نفوذ و نقش‌آفرینی کشور در منطقه و مقابله با چالش‌های امنیتی از سوی دولت‌های رقیب و متخاصم شده است. هدف اصلی از بی‌ثبات‌سازی سوریه "تضعیف محور مقاومت اسلامی"، "مهار جمهوری اسلامی ایران" و در نهایت "ایجاد توازن راهبردی برای محور آمریکا و رژیم صهیونیستی" پس از وقوع بیداری اسلامی در منطقه است. به طور خلاصه می‌توان گفت که اقدامات ترکیه در قبال سوریه بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران تأثیرات منفی دارد که اهم آن عبارتند از:

افزایش سهم‌خواهی گروه‌های سلفی سنتی معارض دولت، کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران به دلیل قطع شدن حلقه مقاومت، تأثیر تحولات سوریه بر راهبرد فلسطینی ایران، تأثیر تحولات سوریه بر جایگاه و نقش قدرت نرم ایران، فعالیت گروه‌های افراطی سلفی و ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی در منطقه، افزایش شکاف جامعه اهل سنت با اهل تشیع، تغییر توازن قوای منطقه‌ای، افزایش اختلافات منطقه‌ای.

البته در کنار پیامدهای منفی تأثیرگذار می‌توان فرصت‌های برآمده از بحران در سوریه برای ایران را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. به طور خلاصه می‌توان به نکات پیامدهای مثبت زیر اشاره کرد:

- ذلت و نفرت از معارضان مسلح و حامیان خارجی؛
- شکل‌گیری نیروی جدید مقاومت مردمی با تشکیل جیش‌الشعبی و ورود نیروهای داوطلب؛
- آشکار شدن چهره‌های واقعی معارضان؛
- معلوم شدن ماهیت فرصت‌طلب و متخاصم برخی رژیم‌های منطقه‌ای برای دولت و مردم سوریه و گروه‌های مقاومت فلسطینی؛
- ارتقای سطح تجارب و آمادگی‌های نیروهای نظامی و امنیتی سوریه و نیروهای مقاومت؛
- تقابل قدرت‌هایی هم‌چون چین و روسیه با مخالفان نظام سوریه.

## منابع

### فارسی

- ۱- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، "صحیفه نور"؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۲۱ جلدی، تهران.
- ۲- احمدی نفورکی، بهزاد (۱۳۸۷)، "ترکیه، حال و آینده"، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۳- اخباری، محمد (۱۳۸۳)، "جغرافیای کشورهای هم‌جوار «ترکیه»"، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۴- اسماعیل، طارق (۱۳۶۵)، "تحول سیاسی در سوریه"، ترجمه سعید برزین، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۵- تریف، تری (۱۳۸۳)، "مطالعات امنیتی نوین"، مترجمان علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴)، "نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل"، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- ۷- غرایق زندی، داود (۱۳۸۷)، "محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران"، (مجموعه مقالات)، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- ۸- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)، "اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل"، تهران: انتشارات سمت.
- ۹- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، "روابط بین‌الملل نظریه‌ها و کارکردها"، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۰- مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، "برآورد استراتژیک ترکیه"، موسسه ابرار معاصر، تهران.
- ۱۱- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، "سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه"، (پژوهش ۱۹)، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، تهران.

### مقالات

- ۱۲- آجورلو، حسین (۱۳۹۲)، "ضعف تشکیلاتی شورای انتقالی سوریه و ناکارآمدی طرح کوفی عنان"، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات منطقه‌ی خاورمیانه، چاپ اول.



- ۱۳- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۰)، "مواضع ترکیه در تحولات"، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گزارش راهبردی، شماره ۳۸۴.
- ۱۴- اطاعت، جواد و مسعود رضایی (۱۳۹۰)، "نظریه رئالیسم و ضرورت بازنگری در آن"، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱۰.
- ۱۵- افضل‌ی، رسول و افشین متقی (۱۳۹۰)، "بررسی ژئوپلیتیکی اسلام‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه"، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱۲.
- ۱۶- آقاعلیخانی، مهدی (۱۳۹۰)، "نقش و جایگاه ترکیه در روند صلح خاورمیانه با تأکید بر دوره 2010-2002"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره شانزدهم.
- ۱۷- اکبری، نورالدین (۱۳۸۷)، "قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران"، نشریه رهیافت سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۵.
- ۱۸- امامی، محمدعلی (۱۳۷۷)، "بررسی سیر روابط ترکیه و سوریه"، مجله سیاست خارجی، شماره ۳.
- ۱۹- امید، علی و فاطمه رضایی (۱۳۹۰)، "عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه"، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱۱.
- ۲۰- امینیان، بهادر (۱۳۹۰)، "محیط امنیتی ایران و تحولات بیداری اسلامی"، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۱۳.
- ۲۱- امینیان، بهادر (۱۳۷۱)، "مفهوم امنیت ملی و تحولات آن"، مجله سیاست دفاعی، شماره یک.
- ۲۲- انتظاری، حسن (۱۳۹۱)، "مطالعه تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات سوریه و مصر"، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه امام حسین علیه السلام.
- ۲۳- ایزدی، جهانبخش (۱۳۸۹)، "برآورد دهه سوم مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سوریه؛ هم‌گرایی بیشتر یا گسست"، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی.
- ۲۴- برزگر، کیهان (۱۳۹۰)، "ایران و تحولات جهان عرب: منافع و ارزش‌ها"، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گزارش راهبردی، شماره ۳۸۴.
- ۲۵- برزگر، کیهان (زمستان ۱۳۸۸)، "منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران"، مطالعات اوراسیای مرکزی (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای)، سال دوم، شماره ۵.
- ۲۶- برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، "پژوهشنامه ایران و آمریکا: نظریه ظهور نقش منطقه‌ای ایران"، فصلنامه پژوهش‌کنده تحقیقات راهبردی.
- ۲۷- بیات، ناصر (۱۳۹۰)، "نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه"، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره دوم.
- ۲۸- پرتو، فتح‌الله (۱۳۹۲)، "سهم‌خواهی در فتنه‌ی سوریه (بررسی آخرین تحولات در ناآرامی‌های سوریه)"، اندیشکده راهبردی تبیین، شماره ۱۸.
- ۲۹- ترابی، قائم (۱۳۹۰)، "رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی در تحولات جهان عرب و امنیت جمهوری اسلامی ایران"، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال اول، شماره ۲.
- ۳۰- حسینی، مطهره و طالب ابراهیمی و صفی‌الله شاه قلعه (۱۳۹۱)، "نگاه به غرب در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه (2002 - 2012)"، مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره سوم.

- ۳۱- حیدری، محمدعلی و حمید رهنورد (۱۳۹۰)، "نوع‌نمائی‌گرایی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه (با تکیه بر تحولات بهار عربی)"، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره دوم.
- ۳۲- خودسیانی، حسین (۱۳۹۱)، "بررسی تحولات سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه امام حسین علیه السلام.
- ۳۳- درویشی، فرهاد (۱۳۸۹)، "ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی(ره)"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۹.
- ۳۴- دهقانی فیروزآبادی، جلال و مهدی فرازی (۱۳۹۱)، "بیداری اسلامی و امنیت ملی رژیم صهیونیستی (ملاحظات ایران و غرب)"، مجموعه بیداری اسلامی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ۳۵- رجبی، سهیل (۱۳۹۱)، "واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی (با نیم نگاه‌ی به تحولات اخیر در سوریه)"، مقالات پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳۴.
- ۳۶- سخاوتی، مرضیه (۱۴ مرداد ۱۳۹۱)، "مقاله ترکیه و تحولات خاورمیانه"، مجله سیاست‌روز، شماره ۳۱۳۴.
- ۳۷- شریفیان، جمشید و اباصلت کبیری و علیرضا طحان‌منش (۱۳۹۱)، "تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه"، فصلنامه امنیت پژوهی، سال یازدهم، شماره ۳۸.
- ۳۸- صبری، محسن (۱۳۹۱)، "نقش و تأثیر حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۹.
- ۳۹- صبوچی، مهدی و رحمت حاجی مینه (زمستان ۱۳۹۲)، "بررسی مقایسه‌ای رویکرد ایران و ترکیه در قبال تحولات منطقه؛ بررسی موردی تونس، مصر و لیبی"، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره چهارم.
- ۴۰- عسگری، محمود (۱۳۸۲)، "رهیافت‌های شناخت‌شناسی امنیت"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲.
- ۴۱- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، "تحلیلی بر تحولات روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی (در دوره حزب عدالت و توسعه)"، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۴۰.
- ۴۲- قاسمیان، روح‌الله (۱۳۹۲)، "کنکاشی در تحولات سوریه؛ ریشه‌ها، بازیگران و پیامدها"، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل.
- ۴۳- قربانپور، علیرضا (۱۳۸۵)، "امنیت منطقه‌ای ایران در پرتو سیاست‌های آمریکا در فلسطین"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ششم، شماره ۲۲.
- ۴۴- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۱)، "ملاحظات امنیت ملی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم، سال پانزدهم، شماره مسلسل ۵۸.
- ۴۵- کسرابی، محمدسالار (۱۳۷۶)، "اسلام‌گرایی در ترکیه"، سلسله مقالات خاورمیانه‌شناسی، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شماره ۱۵.
- ۴۶- مسعودنیا، حسین و داود نجفی (۱۳۹۰)، "سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره ۱۳.

- ۴۷- مسعودنیا، حسین و عاطفه فروغی (۱۳۹۱)، "ترکیه و بحران سوریه از میانجی‌گری تا حمایت از مخالفان دولت"، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۴.
- ۴۸- نبوی، مرتضی (۱۳۸۳)، "راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با الهام از قانون اساسی"، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- ۴۹- نصری، قدیر (۱۳۹۱)، "بیداری اسلامی در مصر منابع و موانع برآمدن سلفی‌ها"، مجموعه بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ۵۰- نیاکویی، امیر و حسین بهمنش (۱۳۹۱)، "بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها"، فصل‌نامه روابط خارجی، شماره چهارم، سال چهارم.
- ۵۱- یزدان‌پناه درو، کیومرث و محمدمهدی نامداری (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، "بحران سوریه؛ با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور"، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره سوم.

#### اینترنت

- ۵۲- پایگاه اطلاع‌رسانی باشگاه خبرنگاران جوان، (۱۳۹۱/۸/۲) ([www.yjc.ir/fa/news/4121648](http://www.yjc.ir/fa/news/4121648))
- ۵۳- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت امام خامنه‌ای ([www.farsi.khamenei.ir](http://www.farsi.khamenei.ir))
- ۵۴- پایگاه اطلاع‌رسانی محراب، (۱۳۹۲)، (امور مساجد)، ([www.masjed.ir/fa/article/695](http://www.masjed.ir/fa/article/695))
- ۵۵- خبرگزاری مهر، (۱۳۹۱/۵/۱۲)، آدرس اینترنتی: ([www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com))
- ۵۶- سایت دیپلماسی ایرانی، (۱۳۹۱/۵/۲۹)، به آدرس اینترنتی: ([www.irdiplomacy.ir](http://www.irdiplomacy.ir))
- ۵۷- شاه کرمی، امیر (۸۸/۱۰/۲۴)، سایت خبری تابناک به آدرس اینترنتی: ([www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir))

